

نقش پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در کاهش تهدیدات فرهنگی (فرقه‌های نوظهور؛ شیطان پرستی)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۲۵

از صفحه ۱۲۱ تا ۱۴۰

عبدالله هندیانی^۱، میعاد درویشی^۲، محمد اسدی فرد^۳، عبدالرحمن میرزاخانی^۴

چکیده

تهدید نرم را می‌توان تهدیدی دانست که باعث دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می‌شود. این تهدید، نوعی اعمال قدرت با روش‌های نرم افزاری در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق تأثیر بر اندیشه و الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای رفتاری بازیگر مهاجم، محقق می‌شود. برخی سازمان‌ها از جمله سازمان پلیس که مأموریت آن‌ها می‌تواند متأثر از تهدیدات نرم باشد، باید ضمن شناخت این گونه تهدیدات، نسبت به روزآمدی برای مقابله یا خنثی‌سازی تهدیدات نرم اقدام کنند. هدف از مطالعه حاضر، بررسی رابطه مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی با تهدیدات نرم فرهنگی ناشی از نمادسازی فرقه‌های نوظهور است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کارکنان پلیس اطلاعات تهران بزرگ که دارای مدرک کارشناسی به بالا با حداقل شش سال خدمت می‌باشند؛ تشکیل می‌دهند که بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی ساده با حجم نمونه به تعداد ۷۰ نفر تعیین شدند. ابزار پژوهش را پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی تشکیل داده است. روایی ابزار به وسیله روایی صوری تأیید و اعتبار آن به وسیله آلفای کرونباخ محاسبه که مقدار آن برای این پرسش‌نامه، ۰/۷۶ به دست آمد. روش این ابزار روی گروه نمونه اجرا و بر اساس آزمون آماری همبستگی پیرسون و t تک نمونه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین ابعاد سه‌گانه مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی با کاهش تهدیدات فرهنگی ناشی از نمادسازی فرقه‌های نوظهور، رابطه معنی‌داری وجود دارد که از همبستگی زیادی برخوردار است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی با ضریب همبستگی معادل ۰/۷۹ موجب کاهش تهدیدات فرهنگی ناشی از نمادسازی فرقه‌های نوظهور می‌شود. بنابراین، توجه جدی به شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعادی که موجب تقویت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی می‌شود، می‌تواند موجبات کاهش تهدیدات فرهنگی ناشی از نمادسازی فرقه‌های نوظهور را در جامعه فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: تهدیدات نرم، تهدیدات فرهنگی، فرقه‌های نوظهور، شیطان پرستی، مأموریت سازمانی.

۱. دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین، hendiani.s1343@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین، نویسنده مسئول: savadshojai@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین

۴. دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین: cls188rahman@yahoo.com

مقدمه

بیش از یک دهه قبل، نظریه پردازان آمریکایی با بررسی شرایط جهان به این نکته دست یافتند که دیگر قدرت سخت، توانایی تحقق اهداف آمریکا برای تسلط بر جهان را ندارد، لذا راهبرد تهدید نرم را به جای تهدید سخت برای تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران در برنامه کاری خود قرار دادند. دشمن در عرصه تهدیدات نرم با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی و استفاده از تمامی ظرفیت‌های فرهنگی سعی دارد بر باورهای اعتقادی و فرهنگی جامعه اثر گذارد؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری و حمایت همه جانبه‌ای را در این راستا از جریان‌ات تأثیرگذار مانند فرقه‌های نوظهور به ویژه فرقه شیطان پرستی در جهت استحاله فرهنگی به عمل می‌آورد. شیطان پرستی یکی از اعتقاداتی است که برخی به آن، پیشینه هزاران ساله می‌دهند و دلیل آن را نیز پرستش هر موجود دارای قدرت توسط مردمان هزاران سال پیش یا در نظر گرفتن دو خدای ضد هم یعنی خدای خیر و شر می‌دانند. شیطان پرستی دنیایی را ترسیم می‌کند که هیچ روزنه امیدی برای آن متصور نیست. به همین جهت، شیطان پرستی را جهان تاریک می‌گویند. شیطان پرستی حقیقتی را جستجو می‌کند که در این جهان یافت نمی‌شود و یکی از مظاهر انحطاط اجتماعی، اخلاقی و دینی به شمار می‌آید و این پدیده، نشانه دوری انسان از فطرتی است که خداوند مردم را با آن آفریده و سرشته است؛ زیرا گروه‌های شیطان پرست از عبادت خداوند روی برتافته و شروع به پرستش شیطان و تقدیس آن می‌کنند.

اگرچه شیطان پرستی دارای گرایش‌های مختلفی است، لیکن دارای وجه مشترکی هستند، یعنی گرایش به انجام هر کاری که نقطه مقابل خیر و نیکی و تمام ارزش‌های فرهنگی و دینی قرار دارد، لذا انگیزه هرگونه ناهنجاری، جرم و جنایت را در جامعه می‌تواند دامن بزند و امنیت اجتماعی را تهدید نماید؛ چراکه خون‌آشام‌ترین انسان‌ها و آدم‌خواران در این فرقه قرار دارند. بنابراین، نه تنها در جامعه ما، بلکه در تمام جوامع انسانی وجود این فرقه‌ها امنیت جامعه را تهدید می‌کنند، به ویژه در جامعه ما که این‌گونه فرقه‌ها از سوی دشمنان، جهت استحاله فرهنگی حمایت و پشتیبانی می‌شوند؛ قطعاً در حوزه پلیس و امنیت شهروندان به عنوان یک تهدید جدی محسوب می‌شود.

شیطان پرستی دارای نمادها و علائم فراوانی است که متأسفانه این نمادها و ظواهر روز به روز در ابعاد مختلف از جمله در پوشش جوانان جامعه ما گسترش یافته است. آنان سر و وضع عادی ندارند و تلاش می‌کنند طوری لباس بپوشند و خود را آرایش کنند که

وحشتناک به نظر برسند. این افراد خود را شیطان گرا یا شیطان پرست معرفی کرده و از نمادها و علائم خاص استفاده می‌کنند. اگرچه بسیاری از آنان ناآگاهانه از این علائم و نمادها استفاده می‌کنند، لیکن گسترش آن در نمادها و ظواهر جامعه، قطعاً به مرور زمان ارزش‌های اعتقادی و ایدئولوژیکی این فرقه را می‌تواند نهادینه و جایگزین ارزش‌های دینی در جوانان کند؛ بنابراین قادر است از مرحله ناهنجاری فرهنگی در جامعه عبور کرده و جرائم امنیتی را در جامعه رشد دهد. لذا لازم است برای مقابله و کاهش تهدیدات فرهنگی و خنثی‌سازی اثرات آن‌ها، در قدم اول سازمان‌های فرهنگی پیش‌قدم باشند و پلیس نیز در کنار آن‌ها با اقدامات سلبی و ایجابی مانع تحقق این تهدیدات شود. به این منظور، پلیس برای در دست داشتن ابتکار عمل در واکنش به پیچیده‌تر شدن جرائم، نسبت به تشکیل واحدهای متخصص و روزآمد از جمله پلیس امنیت اطلاعات و عمومی و سپردن مأموریت‌های متعدد اقدام کرده است. لذا این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که: آیا بین مأموریت‌های پلیس اطلاعات و امنیت عمومی و کاهش تهدیدات نرم فرهنگی ناشی از فرقه‌های نوظهور رابطه وجود دارد؟

تاکنون تحقیقات زیادی پیرامون فرقه‌های نوظهور انجام شده است، از میان حجم انبوه آن‌ها موضوعاتی که بیشترین ارتباط را با پژوهش حاضر داشته‌اند به‌صورت گزینشی انتخاب که به‌صورت مختصر به یافته‌های آن‌ها اشاره می‌شود. نگارشی (۱۳۸۹)، در پژوهشی تحت عنوان فرقه‌های نوظهور شیطان پرستی، ضمن بررسی این پدیده در کشور، خاستگاه، علل گرایش و راه‌های مصون‌سازی در برابر آن را ارائه داده است. ایشان در پایان، این‌گونه نتیجه‌گیری کرده که مدیریت پنهان صهیونیستی در ترویج این فرقه شیطانی، فعالیت‌های خود را چند برابر کرده، لذا آگاهی و شناخت از ترفند جدید بیگانگان، راه‌کار خوبی در جهت مصون‌سازی آن خواهد بود. مظاهری سیف (۱۳۸۹)، در تحقیقی با عنوان معنویت‌های ساختگی، از نگاه تاریخی به پدیده شیطان پرستی پرداخته است. وی سیر تاریخی شیطان پرستی را به سه دوره بدوی، قرون وسطایی و مدرن تقسیم‌بندی کرده است. قاضی‌زاده (۱۳۸۹)، در پژوهش خود با عنوان آسیب‌ها و چالش‌های ناشی از رشد فرقه‌های نوظهور در ایران، بیان می‌دارد: این امر از جمله پدیده‌های اجتماعی نوین در جوامع است که در زمینه برخورد در وهله نخست باید جامعه‌شناختی کرد؛ چراکه در صورت عدم مقابله مطلوب با آن ممکن است به آسیب امنیتی تبدیل شود. وی همچنین تأکید کرد که برخورد با فرقه‌های نوظهور باید از نوع

نرم بوده تا به تأثیرات مثبت آن دست یافت. آخرین پژوهش مربوط به ریاحی (۱۳۹۲) بوده که در آن به بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان گرایش جوانان به عرفان‌های نوظهور پرداخته است. وی به این نتیجه دست یافت که تقیدات مذهبی و هویت قومی در کنار آگاهی بخشی جامعه، نقش به‌سزایی در کاهش گرایش جوانان به سمت فرقه‌های منحرف نوظهور داشته؛ لذا باید توجه خاصی نسبت به آن‌ها معطوف داشت.

مفهوم تهدید: تهدید به بخشی از عملیات و کارهایی گفته می‌شود که رقبا و دشمنان برای مقابله با دیگران انجام می‌دهند و در آن تأکید بر توانمندی‌ها و قابلیت‌هایی می‌کنند که بتوانند بیشترین آسیب‌ها را بر حریف وارد کنند. این عملیات بر اساس وضعیت و موقعیت حریف و با هدف غلبه بر حریف و تحت نفوذ درآوردن آن طراحی و اجرا می‌شود و بیشترین موفقیت زمانی به وجود می‌آید که با کمترین هزینه و تلفات، بیشترین سود را به دست آورد (بابایی طلاپه، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

مفهوم تهدید نرم: این مفهوم که در نقطه مقابل مفهوم شناخته شده تهدید سخت افزاری و نظامی طرح می‌شود، در یک تعریف موسع، هر آنچه را که جزء تهدید نظامی تعریف نشده است، در برمی‌گیرد. لذا، تمامی اقداماتی که موجب شود تا زیرساخت‌های فکری، باورها و الگوهای رفتاری در حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست به خطر افتد یا موجب ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در عوامل تعیین کننده هویت ملی یک کشور شود؛ تهدید نرم به شمار می‌آید. تهدید نرم را می‌توان تهدیدی دانست که باعث دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی شود. تهدید نرم نوعی اعمال قدرت با روش‌های نرم افزاری در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق تأثیر بر اندیشه و الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای رفتاری بازیگر مهاجم، محقق می‌شود. تهدید نرم زمانی پدید می‌آید که یک ملت یا کشور احساس کند فرهنگ، نهادها و سیاست‌های آن بر اثر بهره‌گیری دشمنانش از قدرت نرم در حال تغییر و استحاله هستند (نائینی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹).

شاخص‌های تهدید نرم

۱- غلبه ذهنیت بر عینیت: یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تهدید نرم، انتزاعی بودن آن نسبت به تهدید سخت است؛ یعنی تهدیدات نرم همواره تأثیرات ذهنی را بر تهدید شونده وارد می‌کنند که بسیار متفاوت از تهدید سخت است.

۲- ظهور در بسترهای اجتماعی: اگر لایه‌های موجود در محیط را متشکل از اجزای

اجتماعی، سیاسی و امنیتی بدانیم و به نوعی اثر گذاشتن تهدید را در این سه حوزه مد نظر قرار بدهیم، تهدید نرم در حوزه سوم تکوین و ظهور می‌یابد.

۳- پیچیدگی: پیچیدگی تهدید نرم به لحاظ طولانی بودن مدت اثر آن از خصایصی است که این نوع تهدید را بسیار متمایز می‌سازد.

۴- نامحسوس بودن در مراحل اولیه: دلیل این امر به نقش لایه‌های اجتماعی در تکوین آن است که معمولاً پدیده را ذهنی تا عینی می‌سازد.

۵- جنس فرهنگی داشتن: تأثیرگذاری تهدیدات نرم بر حوزه فرهنگی بیش از سایر ابعاد است و به همین دلیل نیز این نوع تهدیدات اغلب بر هویت هنجاری تأثیرگذار است.

۶- تهدید سخت به محض استفاده و ظهور، تأثیرات کوتاه مدت یا بلند مدت خود را نشان می‌دهد؛ لیکن تأثیرات ناشی از تهدیدات نرم در زمان طولانی بروز و ظهور می‌یابند (شعبانی و هندیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۳).

ابعاد تهدید نرم در حوزه فرهنگ: فرهنگ بیانگر شخصیت و هویت ملی کشور و دستاورد معرفتی و فنی انسان و همه جوامع است. فرهنگ کشور دارای سه سطح کلی است؛ مفروضات اساسی و زیرساخت‌های فکری هر کشور (باورها) سطح اول فرهنگ تلقی می‌شود. همچنین فرهنگ ملی کشور، دارای مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها و ارزش‌ها است که سطح دوم آن را تشکیل می‌دهد و در نهایت الگوهای رفتاری و اقدام یک کشور، لایه سوم فرهنگ ملی تلقی می‌شود. فرهنگ استراتژیک کشور بر نوع تلقی و الگوهای رفتاری نخبگان و رهبران یک کشور و توان دیپلماسی آن تأثیر می‌گذارد. در صورت وقوع تهدید نرم در این سطح، کشور حریف می‌تواند با مدیریت ادراک، اندیشه و عزم رهبران و نخبگان خودی (باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری) آنان را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین فرهنگ ملی شامل: باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری نهادینه شده در جامعه است که تهدید نرم در این حوزه می‌تواند بر آن‌ها تأثیر گذارد. همچنین، فرهنگ دفاعی کشور که منبع قدرت نرم در نیروهای مسلح است، در صورت وقوع تهدید نرم در این سطح، موجب از بین رفتن عزم و اراده نبرد و قدرت بازدارندگی روانی می‌شود (حجازی، ۱۳۸۷، ص ۳۲).

عناصر اثرگذار در تحولات فرهنگی

۱- هنجارها: رفتارهایی که جامعه انتظار دارد مردم پایبند به آنها باشند و در قالب آداب، رسوم، سنت‌ها و قواعد و قوانین از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. عمده‌ترین آنها عبارت‌اند از سنت‌های عامه، آداب و معاشرت، اخلاقیات و قوانین (بروس، ۱۳۷۲، ص ۱۳).

۲- نمادها: نمادها یک نشانه ارتباطی هستند که نوعی آگاهی را با ساده‌ترین و سریع‌ترین شکل منتقل می‌کنند.

۳- نقش‌ها: نقش‌ها چگونگی ارتباطات فردی و اجتماعی را نشان می‌دهند و شرایط اجتماعی و نقش اجتماعی باعث بروز رفتارهای خاصی می‌شود.

۴- بینش: بینش از سه مؤلفه عقاید، ارزش‌ها و آگاهی‌ها تشکیل یافته است (کاظمی، ۱۳۷۴، ص ۲). ایدئولوژی متکی به ایمان در فراسوی شناخت عقلی، علمی و تجربی قرار دارد و به همین لحاظ، بسیاری از الگوهای رفتاری افراد در جامعه را شکل می‌دهد.

۵- ارزش‌ها: عمده‌ترین بخش فرهنگ را معیارها و ارزش‌ها تشکیل می‌دهند. ارزش‌ها به ما می‌گویند که چه چیزی خوب است و کدام روش از نظر اجتماعی نامطلوب است. تهدید نرم که ارزش‌ها و افکار را مورد هدف قرار می‌دهد بستگی به عوامل اثرگذار بر عناصر متغیر فرهنگی دارد.

شیطان پرستی: شیطان پرستی را نباید یک جریان دانست. جریان‌های گوناگونی به عنوان شیطان پرستی در جهان ظهور کرده است؛ برخی، شیطان را به عنوان خدا و خالق تاریکی می‌پرستند و دسته‌ای، او را به عنوان یک نیرو و شر بزرگ پرستش می‌کنند. عده‌ای شیطان را پیروی می‌کنند و برخی بدون اعتقاد به وجود شیطان، کارکرد او را به عنوان تمرد از دستورات الهی می‌پذیرند و پیرو زینت‌ها و شهوات دنیوی می‌شوند (آل عمران، ۱۴). گروهی از شیطان پرستان، کسانی هستند که ربوبیت و استقلالیت شیطان را پذیرفته و او را عبادت می‌کنند و وی را «الهیة سیاه» می‌دانند. متدینان از جمله مسلمانان و مسیحیان از گذشته‌های طولانی، منتقدان شیطان پرستی به شمار می‌آیند. شیطان پرستی به شکل‌های گوناگون مطرح بوده است از جمله: شیطان پرستی زرتشتی، شیطان پرستی مانوی، شیطان پرستی قبل از مسیحیت در آمریکای لاتین و آفریقای مرکزی؛ شیطان پرستی بعد از مسیحیت قرن ۱۵ و ۱۶ در انگلیس؛ شیطان پرستی معاصر در دهه پایانی قرن ۱۹ در آمریکا و اروپا؛ شیطان پرستی مدرن که در سال ۱۹۶۶ میلادی

توسط آنتوان لاوی پایه‌گذاری شد و شیطان‌پرستی خداگرایانه که اهریمن را خدا می‌داند. خداوند سبحان در قرآن این تصویر نادرست را به مردم نشان می‌دهد و خداوند را فاعل مایشاء معرفی می‌کند (یونس، ۱۰۷). شیطان‌گرایی یا شیطان‌پرستی مدرن، جریان و جنبش نوپدید است که ریشه در باورهای کهن و به‌ویژه اعتقادات و عرفان یهودی و مسیحی دارد و امروزه به صورت مجموعه‌ای از رفتارهای ناهنجار و انحرافات اجتماعی پدید آمده است. به اعتقاد ویل دورانت، مطالعات تمدنی و مردم‌شناسی، ردپای باور شیطان‌پرستی در میان قبایل بدوی را نشان می‌دهد (ویل دورانت، ۱۳۶۵، جلد ۱).

امروزه، جریان شیطان‌پرستی در قالب فراماسونری توسط یهودیان اداره و رهبری می‌شود. «آلیستر کروکی» در قرن بیستم، تحقیقات وسیعی درباره شیطان‌پرستی انجام داد و به جامعه جادوگران انگلیسی رو آورد و اعمال و رفتار جدید شیطانی را تأسیس کرد. امروزه، شیطان‌پرستی در غرب معاصر به صورت چندین جریان از جمله: شیطان‌گرایی لاوایی، معبد ست و شیطان‌پرستی گوتیک مطرح است. خداوند سبحان در قرآن، به وجود شیطان و نیروهای جادویی تصریح می‌کند، اما آن‌ها بدون اذن الهی نمی‌توانند به کسی آسیبی برسانند.

حق تعالی در آیه ۱۰۲ سوره بقره می‌فرماید: «آن‌ها از آنچه شیطان‌ها در زمان سلیمان بر مردم می‌خواندند پیروی کردند، ولی سلیمان به خدا کافر نشد. ولیکن، شیاطین همگی کافر شدند و به مردم جادوگری یاد دادند و نیز از آنچه بر دو فرشته هاروت و ماروت در بابل نازل شد، پیروی کردند؛ در حالی که، آن دو به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند، مگر این که می‌گفتند که ما برای امتحان آمده‌ایم بنابراین کافر نشوید. از آن دو، مطالبی را آموختند تا بین مرد و همسرش جدایی اندازند. آن‌ها نمی‌توانند هیچ کس را بدون فرمان پروردگار ضرر رسانند. مطالبی آموختند که باعث ضررشان می‌شد و سود نمی‌بردند و خوب می‌دانستند که هر کس چنین کند، در جهان آخرت بهره‌ای نخواهد داشت و چه زشت بود آنچه خود را به آن فروختند اگر می‌دانستند» (خسروپناه، ۱۳۹۰، ص ۱۷).

نمادها و مظاهر شیطان‌پرستی در حوزه فرهنگ عمومی: انتقال و نشر اندیشه‌ها از طریق گفتن یا نوشتن دشوار است و تعداد محدودی از مردم با آن ارتباط برقرار می‌کنند؛ اما نمادها به راحتی جایگاه خود را در فرهنگ عمومی پیدا می‌کنند و به خاطر اینکه ظرفیت کار هنری دارند، به صورت جذابی در جامعه، به خصوص بین جوانان و زنان گسترش می‌یابند. نمادهای شیطانی در گستره بسیار وسیعی از لباس و کفش و ساعت

گرفته تا رنگ و طرح داخل اتاق خواب تا عروسکی که در تزئینات خودرو کاربرد دارد و انگشتر و دستبند و ده‌ها شیء دیگر که در اشیای شخص و در منظر عمومی استفاده می‌شود؛ این نمادها متفاوت و خوش‌ساخت هستند و همه‌جا یافت می‌شوند. از برجسیبی که کودک پنج ساله به دفتر نقاشی می‌چسباند تا سردسته عصایی که پیرمرد هفتاد ساله به دست می‌گیرد. این نمادها همه‌جا حضور دارند. گذشته از این طرح‌های خیالی، از چهره شیطان روی بسیاری از لباس‌ها و سایر وسایل و اشیاء شخصی دیده می‌شود.

نمادهایی نظیر ستاره پنج پر، صلیب معکوس، صلیب شکسته، چشم شیطان، عدد ۶۶۶ و FFF که ششمین حرف حروف انگلیسی است و متناظر عددی آن ۶۶۶ می‌شود. این عدد به گفته مکاشفه یوحنا در کتاب مقدس، عدد شیطان است. در مکاشفات نوشته شده: «جانور عجیب دیگری دیدم که از زمین بیرون آمد. این جانور دو شاخ داشت مانند شاخ‌های بره و صدای وحشتناکش مثل صدای اژدها بود ... بزرگ و کوچک، فقیر و غنی، برده و آزاد را وادار کرد تا علامت مخصوص را روی دست راست یا پیشانی خود بگذارند و هیچ‌کس نمی‌توانست شغلی به دست آورد یا چیزی بخرد، مگر این‌که علامت مخصوص این جانور یعنی اسم یا عدد او را بر خود داشته باشد». این خود معمایی است و هرکس باهوش باشد می‌تواند عدد جانور را محاسبه کند. این عدد اسم یک انسان است که مقدار عددی آن به ۶۶۶ می‌رسد. نماد دیگر، دو مثلث روی هم است که مثلث با رأس پایین به معنای جام و مؤنث و مثلث با رأس رو به بالا نماد شمشیر و مذکر است که به ترتیب به معنای الهه باروری و خدای جنگ و شکار هستند (دن براون، ۱۳۸۵، ص ۳۴).

یکی دیگر از این نمادها که در عرفان کابالا نیز جایگاهی دارد، بز یا قوچی به نام بافومت^۱ است که هم با جانور شاخ‌دار یوحنا همانندی دارد و هم در اسطوره‌های مصری، خدای هوش و دانایی معرفی شده و آفرینش انسان به وسیله چرخ سفالگری را به او نسبت می‌دهند. خدای بزرگ (خنوم) او را از منطقه آبشار بزرگ نیل آفرید و فنون آفرینش انسان را به او آموخت. او همچنین به صورت دوجنسی و نماد زاد و ولد است (جرج هارت، ۱۳۷۴، ص ۵۴). پنتاگرام، نماد ونوس الهه زیبایی و عشق شهوانی مادینه است و از زمان لئوناردو داوینچی که طرح «مرد ویترووین»^۲ را طراحی کرد، به سمبل

1. Baphomet

2. Vitruvian Man

اصالت انسان و اومانیسیم تبدیل شد. ترکیب سر بافومت با ستاره پنج پر، نماد روشن و گویایی برای تعالیم مکتب شیطان پرستی کرولی و لاوی است که شیطان را سمبل انسان محوری و اصالت هوس‌ها و لذت طلبی بشری می‌دانند (دن براون، ۱۳۸۵، ص ۳۱). مشهورترین نماد شیطان‌گرایی، ستون چهارضلعی بلندی است به نام ابلیسک^۱ که سمبلی از «رع» خدای خورشید در مصر بوده است و در اثر افزایش قدرت فراعن به ممالک دیگر راه یافت. تفکر یهودی ریشه در تمدن مصر و آشور دارد (سروپالی، ۱۳۸۲، ص ۴۷). سی بنای ابلیسک از مصر باستان باقی مانده که سیزده عدد از آن‌ها به روم برده شده و سایرین در شهرهایی نظیر سیسیل، پاریس، لندن، نیویورک و سزاریا در قسمت اشغال شده فلسطین نصب شده است. بزرگ‌ترین ابلیسک دنیا در واشنگتن ساخته شده که ارتفاع آن به ۵۵۵ متر می‌رسد. این ابلیسک در فاصله ۹۰۰ متری غرب کنگره و ۹۰۰ متری جنوب خانه اصلی فراماسونری است و رئیس‌جمهورهای آمریکا سوگند خود را در پای آن یاد می‌کنند. کاربرد گسترده این نمادها باعث می‌شود که ذهنیت‌ها و ارزش‌های مردم هماهنگ با معانی آن‌ها شکل بگیرد. نمادها هویت سازند و به فرد و جامعه هویت می‌بخشند و خود پندارهایی را ایجاد می‌کنند که به زندگی و رفتارهای افراد معنا می‌دهد و مردم با همین معانی، وجود و زندگی خود را تفسیر کرده و ارزش‌ها و اهداف زندگی خود را تعریف می‌کنند. کارکرد هویت بخشی و معنا دهنده نمادها در کنار گرافیک و طراحی متفاوت و چشم نوازشان و در دسترس بودن، مد شدن و تبلیغاتی که روی آن‌ها صورت می‌گیرد، باعث استفاده روزافزون از سوی مردم به‌ویژه جوانان و نوجوانان در جامعه می‌شود. پس از پذیرفته شدن این نمادها در فرهنگ عمومی جامعه، انتقال ایدئولوژی مربوط به این نمادها بسیار ساده و پذیرفتنی می‌شود.

مأموریت سازمانی

در تعریف مأموریت سازمانی، فیشر^۲ (۲۰۰۰) به تعیین جهت‌های طولانی مدت و مجموعه فعالیت‌های سازمان اشاره دارد. همچنین، مبلی، وانگ و فانگ^۳ (۲۰۰۵) بیان داشته‌اند: مأموریت یک سازمان ارائه دهنده اهداف، معانی و مفاهیمی از سازمان است که با تعریف اهداف بیرونی و نقش اجتماعی سازمان به دست آمده است. همچنین، مأموریت

1. Obelisk

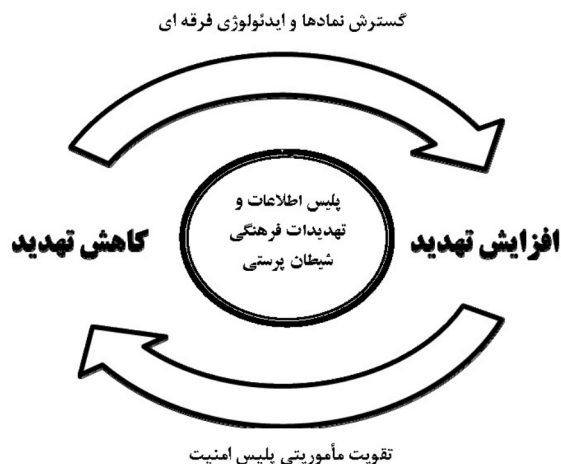
2. Fisher

3. Moley, W.H: L. Wang and Fang

سازمان شامل جهت‌های روشن و اهدافی است که در تعریف مسیری مناسب جهت فعالیت‌های سازمان و اعضای آن به کار می‌رود.

اصولاً در سازمان‌هایی که مأموریت سازمانی قوی دارند، افراد با داشتن درکی روشن از مأموریت سازمان قادر خواهند بود با تصویر آینده‌ای مطلوب، رفتار فعلی سازمان را شکل دهند و سازمان را به اهداف تعیین شده نزدیک سازند. در مقابل، عدم برخورداری از مأموریت سازمانی قوی و روشن موجب سردرگمی افراد سازمان می‌شود، به نحوی که اهداف به‌طور معمول برای کارکنان روشن، معنادار و انگیزاننده نیست و درنهایت، مشکلات فراوانی را در راه دسترسی به اهداف به وجود خواهد آورد (اسدی، ۱۳۸۷، ص ۷۰). دستیابی به اهداف سازمانی را اثربخشی نامیده‌اند. رابینز در تعریف اثربخشی می‌نویسد: اثربخشی عبارت است از مجموعه تلاش‌های انجام شده سازمان که موجب تکامل و تداوم حیات و بقای یک سازمان می‌شود و همچنین انجام اقدام درست در جهت رسیدن به اهداف سازمان تعریف می‌شود (رابینز، ۱۳۸۱، ص ۴۷).

در این تحقیق، با توجه به گستردگی مأموریت‌های پلیس اطلاعات و امنیت از جنبه‌های مختلف نرم‌افزاری، سخت‌افزاری، خدماتی، امنیتی و غیره صرفاً به مأموریت‌های انتظام بخشی، مقابله و کنترل، کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی مرتبط با موضوع اصلی تحقیق یعنی شیطان‌پرستی پرداخته شده است. در این مقاله، منظور از مأموریت، مأموریت‌های کاهش ناهنجاری، نظم‌دهی و نقش مقابله‌ای پلیس اطلاعات و امنیت عمومی است. درنهایت، با توجه به مبانی نظری تحقیق، مدل مفهومی به شکل نمودار (۱) ارائه می‌شود:



شکل ۱ - مدل مفهومی تحقیق

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر از نظر داده‌ها کمی، از نظر اهداف کاربردی و از نظر ماهیت، مطالعه همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کارکنان پلیس اطلاعات تهران بزرگ که دارای مدرک کارشناسی به بالا با حداقل شش سال خدمت هستند، تشکیل می‌دهند. نمونه و روش نمونه‌گیری بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و فرمول تعیین حجم نمونه، تعداد ۷۰ نفر حجم نمونه را تشکیل می‌دهد. ابزار سنجش پژوهش حاضر را پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی تشکیل می‌دهد. این پرسش‌نامه توسط محقق به مدد تئوری‌های ملی و جهانی تدوین شده‌اند. اعتبار ابزار به وسیله آلفای کرونباخ محاسبه و مقدار آن ۰/۷۶ و روایی هر دو توسط روایی صوری تأیید شده است. داده‌های حاضر به وسیله آزمون‌های آماری موسوم به همبستگی پیرسون و t تک نمونه‌ای در بسته نرم‌افزاری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

الف) توصیف داده‌ها: وضعیت داده‌ها به کمک آمار توصیفی نشان داده شده و در جدول (۱) به آن پرداخته شده است.

جدول ۱ - شاخص‌های توصیفی داده‌ها

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف میانگین	میانه	نما	انحراف استاندارد	واریانس	کشیدگی	کمترین	بیشترین
مأموریت نظم دهی	۴/۳۰	٪۰/۷۸	۴/۰۰	۴	٪۶۸۴	٪۴۷۵	-٪۴۸۷	۲/۶۰	۵
مأموریت مقابله با جرائم	۴/۲۵	٪۰/۶۲	۴/۰۰	۴	٪۶۶۷	٪۴۳۵	-٪۶۵۰	۳	۵
کاهش ناهنجاری	۴/۵۰	٪۰/۷۸	۵/۰۰	۵	٪۷۸۶	٪۵۸۱	-٪۶۴۵	۳	۵
نمادسازی فرقه‌های نوظهور	۴/۱۱	٪۰/۸۱	۴/۰۰	۴	٪۸۳۲	٪۶۴۵	-٪۵۲۶	۳	۵

ب) تحلیل داده‌ها: فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و آزمون t تک نمونه‌ای تحلیل شدند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها ۷۹ درصد وجود رابطه بین مأموریت‌های پلیس اطلاعات و امنیت عمومی با کاهش تهدیدات نرم ناشی از نمادسازی فرقه‌های نوظهور را تأیید می‌کند. در ادامه، به تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به هریک از فرضیه‌های تحقیق می‌پردازیم.

فرضیه اول: بین مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد کاهش ناهنجاری‌ها با کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور، رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲ - همبستگی بین مأموریت پاوا در بعد کاهش ناهنجاری با کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور

کاهش تهدیدات نرم	کاهش ناهنجاری
ضریب همبستگی پیرسون	۱
سطح معناداری	۰/۷۹۰
فراوانی	۷۰
ضریب همبستگی پیرسون	۱
سطح معناداری	۰/۷۹۰
فراوانی	۷۰

با توجه به نتایج جدول (۲)، می‌توان نتیجه گرفت که بین مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد کاهش ناهنجاری‌ها با کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور رابطه معناداری وجود دارد و میزان همبستگی آن زیاد است.

جدول ۳ - نتایج آزمون t تک نمونه‌ای به منظور بررسی فرضیه اول تحقیق

تعداد پاسخ‌گویان	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری (sig)
۷۰	۶/۸۱	۲۰	۰/۰۰۰

نقیض ادعا: مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد کاهش ناهنجاری‌ها موجب کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور نمی‌شود.

ادعا: مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد کاهش ناهنجاری‌ها موجب کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور می‌شود.

با توجه به اینکه مقدار t جدول (۶/۸۱) از ۳ بیشتر است؛ لذا در ناحیه H_1 قرار دارد و چون خطای اطمینان نیز از ۰/۰۱ کمتر است فرضیه اول تأیید می‌شود و با سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد می‌توان گفت مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد کاهش ناهنجاری‌ها موجب کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور می‌شود.

فرضیه دوم: بین مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد نظم دهی با کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴ - همبستگی بین مأموریت پاوا در بعد نظم دهی با کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور

مأموریت نظم دهی	کاهش تهدیدات نرم		
۰/۷۴۰	۱	ضریب همبستگی پیرسون	کاهش تهدیدات نرم
۰/۰۰۰		سطح معناداری	
۷۰	۷۰	فراوانی	
۱	۰/۷۴۰	ضریب همبستگی پیرسون	مأموریت نظم دهی
	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۷۰	۷۰	فراوانی	

با توجه به نتایج جدول (۴)، می‌توان نتیجه گرفت که بین مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد نظم دهی با کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور رابطه معناداری وجود دارد و میزان همبستگی آن زیاد است.

جدول ۵ - نتایج آزمون t تک نمونه‌ای به منظور بررسی فرضیه دوم تحقیق

تعداد پاسخ‌گویان	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری (sig)
۷۰	۵/۹۲	۲۰	۰/۰۰۰

نقیض ادعا: مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد نظم دهی موجب کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور نمی‌شود.
ادعا: مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد نظم دهی موجب کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور می‌شود.

با توجه به اینکه مقدار t جدول (۵/۹۲) از ۳ بیشتر است؛ لذا در ناحیه H_1 قرار دارد و چون خطای اطمینان نیز از ۰/۰۱ کمتر است فرضیه دوم تأیید می‌شود و با سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد می‌توان گفت تقویت مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد نظم دهی موجب کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور می‌شود.

فرضیه سوم: بین مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد مقابله و کنترل جرائم اخلاقی با کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶: همبستگی بین مأموریت پاوا در بعد مقابله و کنترل جرائم اخلاقی با کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور

کاهش تهدیدات نرم	مقابله و کنترل جرائم اخلاقی	کاهش تهدیدات نرم
ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۸۳۰
سطح معناداری		۰/۰۰۰
فراوانی	۷۰	۷۰
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۸۳۰	۱
سطح معناداری		۰/۰۰۰
فراوانی	۷۰	۷۰

با توجه به نتایج جدول (۶)، می‌توان نتیجه گرفت که بین مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد مقابله و کنترل جرائم اخلاقی با کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور رابطه معناداری وجود دارد و میزان همبستگی آن زیاد است.

جدول ۷ - نتایج آزمون t تک نمونه‌ای به منظور بررسی فرضیه سوم تحقیق

تعداد پاسخ‌گویان	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری (sig)
۷۰	۷/۲۲	۲۰	۰/۰۰۱

نقیض ادعا: مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد مقابله و کنترل جرائم اخلاقی موجب کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور نمی‌شود.

ادعا: مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد مقابله و کنترل جرائم اخلاقی موجب کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور می‌شود. با توجه به اینکه مقدار t جدول (۷/۲۲) از ۳ بیشتر است؛ لذا در ناحیه H_1 قرار دارد و چون خطای اطمینان نیز از ۰/۰۱ کمتر است؛ فرضیه سوم تأیید می‌شود و با سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد می‌توان گفت تقویت مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد مقابله و کنترل جرائم اخلاقی موجب کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور می‌شود.

فرضیه اصلی: بین مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی با کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۸ - همبستگی بین مأموریت با کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور

مأموریت پلیس اطلاعات	کاهش تهدیدات نرم	
۰/۷۹۰	۱	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۱۰۰		سطح معناداری
۷۰	۷۰	فراوانی
۱	۰/۷۹۰	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۱۰۰	سطح معناداری
۷۰	۷۰	فراوانی

با توجه به نتایج جدول (۸)، می‌توان نتیجه گرفت که بین مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی با کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور رابطه معناداری وجود دارد و میزان همبستگی آن زیاد است.

جدول ۹ - نتایج آزمون t تک نمونه‌ای به منظور بررسی فرضیه اصلی تحقیق

تعداد پاسخ‌گویان	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری (sig)
۷۰	۷/۲۲	۲۰	۰/۰۰۱

نقیض ادعا: مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی موجب کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور نمی‌شود.
ادعا: مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی موجب کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور می‌شود.
با توجه به اینکه مقدار t جدول (۴/۸۳) از ۳ بیشتر است؛ لذا در ناحیه H_1 قرار دارد و چون خطای اطمینان نیز از ۰/۰۱ کمتر است؛ فرضیه اصلی تأیید می‌شود و با سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد می‌توان گفت تقویت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی موجب کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در تئوری‌های مربوط به بحث مطرح شده و در همین تحقیق نیز مورد تأیید قرار گرفته است، میان هر یک از ابعاد سه‌گانه مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی با کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور رابطه معناداری وجود دارد. در نتیجه، پلیس اطلاعات و امنیت عمومی به واسطه متولی بودن در موضوع امنیت اخلاقی، نقش مهمی در کاهش ناهنجاری‌ها در زمینه مسائل اخلاقی

دارد. فرقه‌های نوظهور نیز همین حوزه را آماج دستیابی به خواسته‌های خود قرار داده‌اند. با توجه به وجود رابطه بین مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد نظم دهی با کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور، پلیس اطلاعات و امنیت عمومی قادر است با شناسایی زمینه‌های گرایش به این فرقه‌ها با همکاری سایر پلیس‌ها از گرایش جوانان به این فرقه‌ها جلوگیری و با ابزار قانونی در اختیار، مانع فعالیت آن‌ها شود. با توجه به این‌که اقدامات فرقه‌های نوظهور از نوع نرم و تمرکز بر تغییر باور جامعه هدف است، لازم است وجه نرم و ایجابی اقدامات پلیس نیز به نسبت اقدامات سخت، بیشتر باشد.

وجود رابطه بین مأموریت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در بعد مقابله و کنترل جرائم اخلاقی با کاهش تهدیدات نرم ناشی از گسترش نمادها و مظاهر فرقه‌های نوظهور بیانگر آن است که نقش پلیس اطلاعات و امنیت عمومی در مقابله با تهدیدات نرم فرقه‌های نوظهور به دلیل دامنه وسیع، تخریب‌کنندگی زیاد، غیر محسوس بودن و از در دوستی وارد شدن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پلیس بر مبنای وظایفی که بر عهده دارد؛ هم به صورت مستقیم در باب وظایفی که در موضوع امنیت اخلاقی بر عهده دارد و هم به صورت غیرمستقیم در باب تغذیه اطلاعاتی سایر نیروها، وظیفه مقابله با تهدیدات نرم فرقه‌های نوظهور را بر عهده دارد. با توجه به تأیید فرضیه اصلی می‌توان گفت توجه جدی و تمرکز بر تقویت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی موجب کاهش تهدیدات نرم ناشی از نمادسازی فرقه‌های نوظهور خواهد شد.

پیشنهادها

- در برابر تهدیدات نرم ناشی از فعالیت‌های تبلیغی فرقه‌های نوظهور، باید شیوه پاسخ‌گویی و مقابله نیز عمدتاً مبتنی بر تکنیک‌ها و ابزارهای نرم باشد. ابتدا لازم است پلیس اطلاعات و امنیت عمومی، ضمن شناسایی شگردهای جدید شیطنی و تبیین هدایت‌های پنهانی دشمنان اسلام و نظام اسلامی با خردورزی و فهم دینی با این پدیده برخورد کند.

- آگاه‌سازی، افشاء‌گری، اطلاع‌رسانی از اهداف و حقایق درونی فرقه‌های نوظهور به آحاد جامعه، به‌ویژه نسل جوان به‌گونه‌ای که باعث ترویج افکار آنان نشود، در اولویت کار قرار گیرد.

- مصاحبه با فریب‌خوردگان فرقه‌های نوظهور و بررسی علل گرایش آن‌ها به این فرقه‌ها و رفع زمینه‌های آسیب از جمله پاسخ به سؤالات و شبهات جوانان، می‌تواند روند مأموریت پلیس اطلاعات را در این زمینه هموار کند.
- برخورد مناسب با رهبران، لیدرها و مروجان فرقه‌های نوظهور در داخل کشور؛
- تقدم پیشگیری بر درمان و برخورد، به‌ویژه با هواداران فرقه‌های نوظهور؛
- برگزاری کرسی‌های هم‌اندیشی و دوره‌های توجیهی برای دانشجویان و دانش‌آموزان و ارائه هشدارهای لازم نسبت به عواقب سوء عضویت در این گروه‌ها؛
- جمع‌آوری محصولات مضر فرهنگی مربوط به فرقه‌های منحرف فکری با کمک وزارت فرهنگ و ارشاد، اماکن عمومی ناجا، مجامع صنفی، نهادهای دانشگاهی و غیره.

منابع

منابع فارسی

- قرآن کریم.
- اسدی، حسن و قربانی، محمدحسین (زمستان ۱۳۸۷). رابطه بین مأموریت و یکپارچگی سازمانی. نشریه تربیت‌بدنی و المپیک، ۴(۴۴) صص ۵۹-۶۹. بازیابی از: <http://www.ensani.ir/fa/content/190512/default.asp>
- بابایی طلاپه، محمدباقر (۱۳۸۶). فرهنگ و تفکر بسیجی و قدرت نرم. مجموعه مقالات همایش بسیج و قدرت نرم.
- بروس، کوئن (۱۳۷۲). مبانی جامعه‌شناسی (غلام عباس توسلی و رضا فاضل، مترجمان) تهران: انتشارات مه آسا.
- حجازی، سید حسین (فروردین ۱۳۸۷). ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا. گزارش جمهور ۲۶-۲۷. بازیابی از: http://nahadportal.com/uploads/soft%20power_7723.pdf
- جرج، هارت (۱۳۷۴). اسطوره‌های مصری (عباس مخبر، مترجم). تهران: نشر مرکز.
- براون، دن (۱۳۸۵). راز داوینچی (سمیه گنجی و حسین شهرابی، مترجمان). ساری: نشر زهره.
- رابینز، استیفن ودی سنزد، دیوید (۱۳۸۱). مبانی مدیریت (سید محمد اعرابی، محمدعلی رفیعی و بهروز اسراری ارشاد، مترجمان). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- ریاحی، محمد اسماعیل (بهار ۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان گرایش به عرفان‌های نوظهور در بین جوانان. *نشریه مطالعات معنوی*. ۱(۷) صص ۳۹-۷۰. بازیابی از: <http://pmbo.ir/uploads/Media/104.pdf>
- سروپالی، راداکریشن (۱۳۸۲). تاریخ فلسفه شرق و غرب (جواد یوسفیان، مترجم). جلد دوم (تاریخ فلسفه غرب). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شعبانی محمدرضا و عبدالله هندیدانی (۱۳۸۶). بسیج، شناخت و مدیریت تهدیدات نرم. *مجموعه مقالات همایش بسیج و قدرت نرم*.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۰). *جریان شناسی ضد فرهنگ‌ها*. قم: تعلیم و تربیت اسلامی.
- قاضی‌زاده، علی رضا (پاییز ۱۳۸۹). آسیب‌ها و چالش‌های ناشی از رشد فرقه‌های نوظهور در ایران. *نشریه پژوهشنامه*. ۳(۵۵) صص ۱۴۹ تا ۱۹۰. بازیابی از: <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/905448>
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۴). *روش بینش در سیاست*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- مظاهری سیف، حمیدرضا (پاییز ۱۳۸۹). معنویت‌های ساختگی، نگاه تاریخی به پدیده شیطان پرستی. *فصلنامه رشد آموزش قرآن*. ۳(۳۰) صص ۴۶ - ۵۱. بازیابی از: <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/789482>
- نائینی، علی محمد (تابستان ۱۳۸۸). بررسی ماهیت، ابعاد و حوزه‌های تأثیر تهدیدهای نرم غرب علیه جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه راهبرد دفاعی*. ۳(۲۵) صص ۱۲۱-۱۵۲. بازیابی از: <http://www.magiran.com/view.asp?Type=pdf&ID=890556>
- نگارشی، حمید (زمستان ۱۳۸۹). فرقه‌های نوظهور شیطان پرستی. *فصلنامه مریبان*. ۴(۳۸) صص ۷۰ - ۸۲. بازیابی از: <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/930952>
- ویل دورانت (۱۳۶۵). *تاریخ تمدن* (احمد آرام، عسکری پاشایی و امیرحسین آریان پور، مترجمان). جلد ۱. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

منابع انگلیسی

- Fisher, C.J, (2000). Like It or Not, Cultur Matters. Linking Cultur to Bottom Line Business Performance. *Employee Relations Today*. Joohn Wily & Sons. (27):2.
- Moley, W.H: L. Wang and Fang (2005). *Organizational Culture: Measuring and Dereloping It in Your Organiztion*. Published in the Harvard Business Review China. 128-139.



